

باستان‌شناسی، چاه‌های بندر بندر سیراف و رزق رزق

حسین بختیاری - رئیس هیأت سیراف

اسلامی را بخود جلب نموده و در بسیاری از آثار و کتب مربوط به اوائل اسلام و سده‌های بعد، اشاراتی به این بندر شده است. بلاذری در فتوح البلدان اشاره به سوریا نچ نام دژ سیراف میکند و متذکر میشود که عربها آنرا شهر یاج میخواندند. ابن فقیه خرداذبه نیز از این شهر ذکری کرده‌اند. سلیمان تاجر و ابوزید حسن سیرافی که آثار خود را به ترتیب در سالهای ۲۳۷ و ۳۰۲ هجری نگاشته‌اند، به وضع تجارت و آبادی سیراف و کیفیت جزایر و کشورهای که سیرافیان با آنان دادوستد داشته‌اند پرداخته‌اند. شهرت و معروفیت سیراف نظر شعرا را نیز بخود جلب نمود. بطوری که اصمعی شاعر بزرگ عرب معاصر منصور خلیفه عباسی در یکی از اشعارش میگوید: «دنیا سه جاست: عمان و ابله

تاریخه حضریات و جغرافیای تاریخی سیراف بنویسم. آثار سیراف در جلگه باریکی به طول ۴۵ کیلومتر و عرض ۷۰۰ متر به فاصله ۲۵۰ کیلومتری جنوب شرقی بوشهر و ۳۶ کیلومتری شرق بندر کنگان قرار دارد. در حال حاضر روستای طاهری بر روی آثار سیراف قرار گرفته که بندر کوچک و کم‌اهمیتی بیش نیست. (تساویر ۱ و ۲).

بندر سیراف به سبب موقعیت ویژه جغرافیائی و دارا بودن شرایط لازم برای پهلو گرفتن کشتی‌ها، روزگاری دراز مرکز تجارتی حوزه خلیج فارس بشمار میرفت. کشفیات باستان‌شناسی و مدارک مکتوب گواه آنست که سیراف از اواخر عصر ساسانی تا اوائل قرن پنجم هجری بندر بزرگ بازرگانی ایران محسوب میشد. این شهر از راه جم و فیروز آباد با شیراز و در واقع با داخله فلات ایران ارتباط داشت و رابط بین ایران بادیگر کشورها بود. به سبب شهرت و اهمیت خاصی که سیراف از نقطه نظرهای گوناگون داشته توجه جغرافی‌دانان و مورخین دوره

کاوشهای باستان‌شناسی انجام شده در سیراف - در طی چند سال اخیر - قسمتهائی از این بندر مهم تاریخی را از دل خاک بیرون آورده است. ادامه این کاوشها، اهمیت این بندر کهن و نقش آنرا روز به روز بیشتر آشکار میسازد.

قبل از سال ۱۳۵۳ کاوشهای سیراف توسط هیأت مشترک ایران - انگلیس انجام گرفت. در این سال مرکز باستان‌شناسی ایران مستقلاً این حضریات را پی‌گیری کرد. نگارنده باتفاق همکاران خود طی دو ماه کاوش در این محوطه تاریخی به نتایجی رسید که خلاصه‌ای از آن در این مقاله خواهد آمد. لازم میدانم که از همکاری دوستان ارجمندم آقای سید منصور سجادی (باستان‌شناس)، آقای عباسعلی نعمت‌اللهی (طراح و نقشه‌کش)، آقای محمد حسن پاکدل و آقای همت مصطفی‌پور که در این فصل با من همکاری داشته‌اند و زحمات زیادی را متقبل شده‌اند صمیمانه سپاسگزاری کنم.

قبل از آنکه به چگونگی کاوشهای انجام شده در زمستان ۱۳۵۳ بپردازیم بی‌فایده نخواهد بود اگر مختصری درباره

۱ - بلاذری، فتوح البلدان، ترجمه دکتر آذرنوش، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ص ۲۶۴.

۲ - اقبال، عباس، مقاله سیراف قدیم، مجله یادگار، سال ۱۳۲۴، شماره ۴، ص ۹.



منظره عمومی بندر تاریخی سیراف

وحجره‌ها و خانه‌ها را در دو و سه و چهار طبقه ساخته بودند، گاهگاه سلطان معظم ابو شجاع عضدالدوله فنا خسرو به سیراف نزول میفرمود و در آنجا خیمه و خرگاه بر پا می‌داشت. از نتایج این سفرها یکی ساختن بنای رفیعی است که آنرا فیل‌خانه عضد گویند و هنوز خرابه‌های آن برجاست^۸ مؤلف نزهة القلوب مینویسد:

«سیراف در قدیم شهری بزرگ بوده و پر نعمت، مشرع سفر بحر، هواش گرم است و حاصلش غله و خرما»^۹

از نقطه نظر بازرگانی سیراف موقعیت ممتازی داشت، این بندر در سده‌های سوم و چهارم هجری واسطه عمده تجارت بین هندوستان، آسیای جنوب شرقی، آفریقای شرقی و بصره بود.

استخری به کالاهائی که در بازارهای سیراف دادوستد می‌شد اشاره می‌کند، از جمله: عود، عنبر، کافور، جواهر، خیزران، عاج، آبنوس، صندل وی اشاره به بازرگانانی می‌کند که شصت میلیون درم سرمایه داشتند^{۱۰}. ابن حوقل گوید یکی

و سیراف»^۳ - استخری سیراف را بعد از شیراز بزرگترین شهر اردشیر خره ذکر کرده و از خانه‌های چند طبقه و جمعیت فراوان و منازل گران قیمت و گرمای سیراف سخن می‌گوید^۴. در صورت الارض تألیف ابن حوقل نیز مطالب کثافی از سیراف مذکور است. مؤلف حدود العالم مینویسد: «سیراف شهری بزرگ است و گرمسیر است و هوای درست دارد و جای بازرگانان است و بارگاه پارس است^۵. به گفته مقدسی، سیراف مرکز اردشیر خره بوده و بهنگام آبادی معبر چین و انبار فارس و خراسان بشمار میرفت و ارزش خانه‌های سیراف گاهی از صد هزار درهم بیشتر بود^۶. یاقوت حموی در اوائل قرن هفتم بهنگامی که این شهر به ویرانه‌ای تبدیل شده بود، از آن دیدن کرده و از مسجد جامع سیراف که ستون‌هایی از چوب ساج داشت ذکر می‌کند که به میان آورده است^۷. در تاریخ و صاف مذکور است: «در عهد آل بویه سیراف شهری بزرگ و آباد و مکان گروه کثیری از علما و محققان و بازرگانان بود، در این شهر کثرت جمعیت به حدی بود که دکان‌ها

از بازرگانان سیراف بنام ابوبکر احمد بن عمر سیرافی ثلث مالش بالغ بر نصد هزار دینار شد^{۱۱}. ابن بلخی عایدات گمرکی سالانه سیراف را در زمان المقتدر خلیفه عباسی ۲۵۳۰۰۰ دینار زر سرخ ذکر کرده است^{۱۲}.

سیرافیان در امر دریانوردی نیز پیشرفت زیادی کرده بودند و در اغلب کتب مربوط به اوائل اسلام بدین موضوع اشارت رفته است. سابقه دریانوردی سیرافی‌ها بگذشته‌های دور می‌رسد، بطوریکه در کتاب جمهوریت افلاطون (در ترجمه عربی آن) نام ناخدایان سیرافی آمده است که معلوم میشود شعرای یونان اسامی آنها را بعنوان دریاداران و قهرمانان



منظره عمومی بندر طاهری که بر روی سیراف
قدیم بنا شده

- ۷ - حموی، یاقوت، معجم البلدان، جلد ۳، چاپ بیروت، ۱۳۷۶ ق، ص ۲۹۵.
- ۸ - آینی، عبدالحمید، تحریر تاریخ و صاف، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ص ۱۰۰.
- ۹ - مستوفی، حمدالله، نزهة القلوب، واهتمام گای سترنج، طبع لیدن، ۱۹۱۳، ص ۱۱۷.
- ۱۰ - استخری، مسالك و ممالك (ترجمه فارسی) بکوشش ایرج افشار، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، ۱۳۴۷، ص ۱۳۴.
- ۱۱ - ابن حوقل، صورة الارض، ترجمه دکتر جعفر شعار، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ص ۵۷.
- ۱۲ - ابن بلخی، فارسنامه، تصحیح واهتمام گای لیرانج و رینولدان فیکلسون، چاپ کمبریج، ص ۱۹۲۱ و ص ۱۷۱.
- ۱۳ - بهبهانی، سلطانعلی، بنادر ایران در خلیج فارس، سمینار خلیج فارس، جلد اول، انتشارات وزارت اطلاعات، تهران، ۱۳۴۱، ص ۱۳۵.
- ۱۴ - مسعودی، مروج الذهب، ترجمه ابوالقاسم پاینده، جلد اول، انتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ص ۱۰۵ و ۱۳۵.
- ۱۵ - استخری، مسالك و ممالك (ترجمه فارسی) بکوشش ایرج افشار، انتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب، چاپ تهران ۱۳۴۷، ص ۱۲۱.

دریانوردی اشاره کرده و حکایت از بازرگانی سیرافی میکند که مدت چهل سال در کشتی بود و علاقهای به ترک دریا نداشت «و چون کشتی تباه شدی به دیگری انتقال کردی»^{۱۵}.

سیراف از مراکز عمده علم و ادب و فرهنگ در قرون ۳ و ۴ هجری بود. دانشمندان بسیاری از این شهر برخاسته‌اند که در عصر خود صاحب شهرت و اهمیت بسیار بوده‌اند. مشهورترین آنان ابوسعید سیرافی است که مدت پنجاه سال در بغداد قاضی القضاة بود و صاحب تألیفات بسیار میباشد، از آن جمله شرح کتاب سیبویه

- ۳ - ابن فقیه - البلدان، ترجمه ح - مسعودی، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ص ۱۸.
- ۴ - استخری، المسالك و الممالك، طبع لیدن، ۱۹۲۷، ص ۱۲۷.
- ۵ - حدود العالم، تصحیح واهتمام سید جلال‌الدین طهرانی، ۱۳۵۲ ه، مطبعه مجلس، ص ۷۸.
- ۶ - مقدسی، احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم، طبع لیدن، ۱۹۰۶، ص ۴۲۶.

دریا ضبط کرده‌اند.^{۱۳} در کتاب عجایب هند تألیف شهریار رامهرمزی تألیف سال ۴۰۴ هجری به اسامی ناخدایان سیراف و شرح مسافرت‌های آنان بکرات بر میخوریم. دریانوردان سیرافی علاوه بر سواحل هند، چین و آسیای جنوب شرقی به دریای سرخ و سواحل آفریقای شرقی نیز آمد و شد میکردند. مسعودی به ورود کشتی‌های بازرگانی حامل کالاهای سیراف به شهر خاقنو! در چین اشاره میکند و نیز درباره کشتی‌های سیراف در سواحل زنگبار رقم میزند.^{۱۴} استخری به علاقه سیرافیان به امر

است.^{۱۶} پسرش ابومحمد یوسف سیرافی نیز از علمای بزرگ نحو و ادب بوده که بعد از پدر سمت قضاوت بغداد را یافت و صاحب کتب متعددی است.^{۱۷} در اینجا فقط به ذکر نام چند تن از علمای مشهور سیراف میپردازیم: علی بن عباس بن نوح سیرافی استاد نجاشی و مؤلف کتاب زیادات^{۱۸} ابوبکر احمد بن سالم سیرافی^{۱۹} - مأموم سیرافی^{۲۰} - ابوطیب حماد بن حسین فقیه سیرافی^{۲۱} - . . . از بزرگان سیراف یکی دوسیادتین ابوغالب حسن بن منصور است که در سال ۴۰۹ هجری سمت وزارت سلطان الدوله را بدست آورد^{۲۲}، - همچنین صفی الدین ابوالخیر مسعود بن محمود بن ابوالفتح فالی سیرافی پسر خال عمیدالدین اسعد افزری وزیر اتابک ابوبکر سعد بن زنگی است،^{۲۳} و نیز محمد بن ایردین بستاشه یکی از فرمانروایان بنام سیراف که ابو زید حسن سیرافی عموزاده وی است.^{۲۴}

بهر حال سیراف همچنان راه پیشرفت می پیمود و بروزگار خود تأثیرات فراوانی از جهات گوناگون بر سرنوشت شهرهای حوزه خلیج فارس داشت، تا اینکه رویدادها و عوامل طبیعی و اقتصادی و سیاسی موجبات سقوط کلی آنرا فراهم آورد و از اواسط سده پنجم هجری از اهمیت آن کاسته شد. این عوامل عبارت بودند از: وقوع زلزله ای در سال ۳۶۶ یا ۳۶۷ هجری^{۲۵}، جایگزین شدن جزیره کیش بعنوان مرکز اقتصادی حوزه خلیج فارس بجای سیراف^{۲۶}، و سرانجام قطع راههای تجارتنی و ناامنی و رواج ملوک الطوائفی بر اثر سقوط سلسله آل بویه^{۲۷} که نتیجتاً از رونق اقتصادی سیراف کاسته شد.

بعدها بندر ظاهری برویرانه های سیراف بنا گردید که در حال حاضر بندر کوچکی بیش نیست. در قرون اخیر جیمز موریه، کاپیتان استیف، و بلسون واشتین مطالبی در مورد سیراف نگاشته اند، در سالهای اخیر دکتر واندنبرگ شمال سیراف را بررسی کرده است، همچنین

آقای جهانگیر یاسی راههای سیراف به جم و گله دار را بررسی کرده است. کاوشهای باستان شناسی سیراف از سال ۱۳۴۵ خورشیدی توسط هیأت مشترک ایران - انگلیس به سرپرستی آقای دکتر دیوید وایت هاسوس شروع شد و تا سال ۱۳۵۲ ادامه یافت. در سال ۱۳۵۳ مرکز باستان شناسی ایران کاوشهای سیراف را

رأساً پی گیری نمود و هیأتی تحت سرپرستی نگارنده کاوشهای مزبور را ادامه داد. در خلال هفت فصل کاوش توسط هیأت سابق آثاری بدست آمد که اشاره کوتاهی بدانها میشود: بخشی از یک دژ دفاعی عصر ساسانی - مسجد جامع سیراف مربوط به اواخر قرن دوم هجری - چند مسجد کوچک مربوط به قرون ۳ و ۴ هجری -

قسمتی از بقایای حصار شرقی سیراف که بر کرانه غربی رودخانه کک دیده می شود

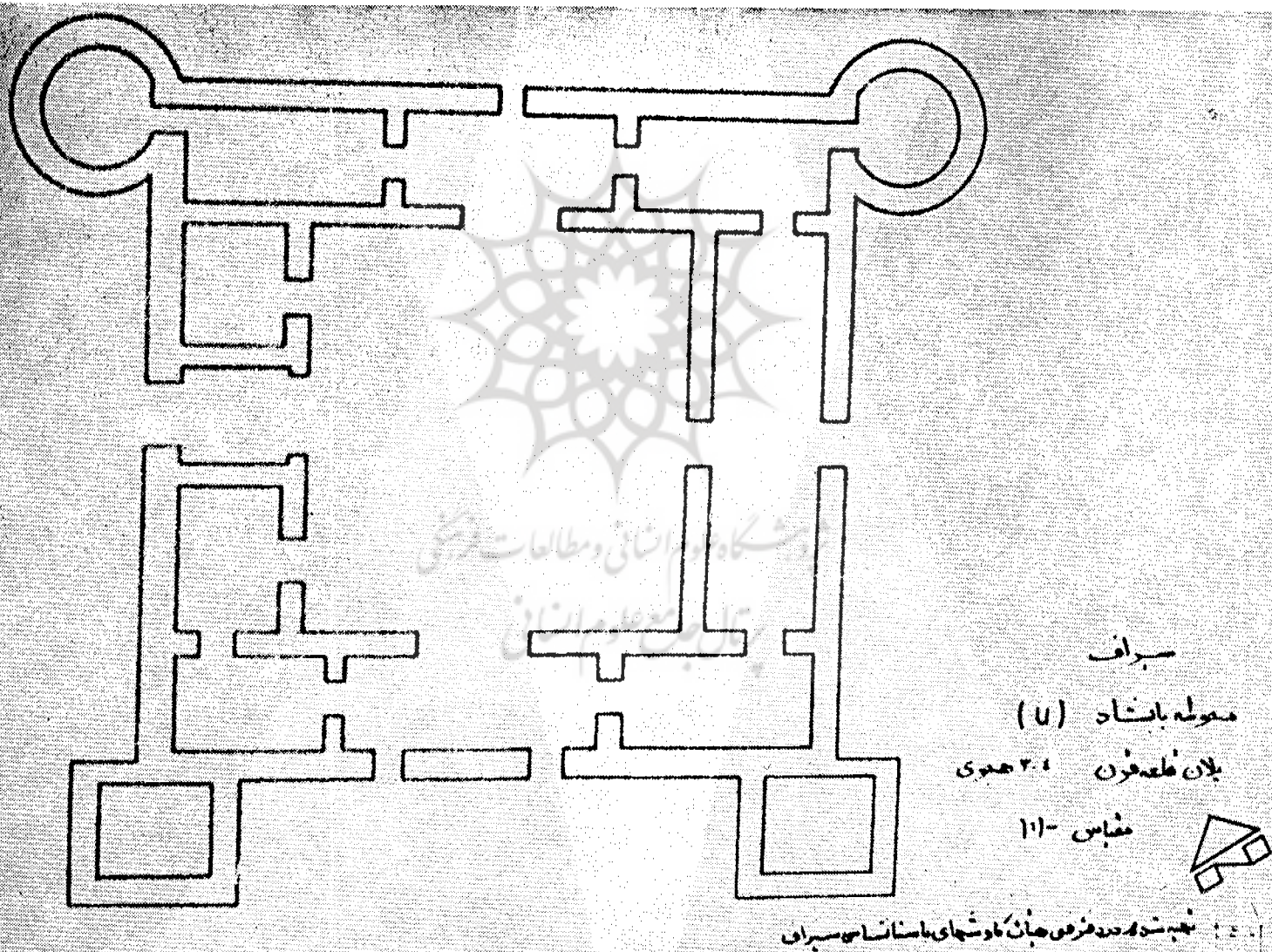


قسمتی از یک بازار و حمام از قرن ۴ هجری
 - خانه‌های مسکونی از قرن ۷ و ۸ هجری
 - قسمتی از یک محله اعیان‌نشین با خانه-
 های بزرگ و خیابان و کوچه‌های منظم
 از سده‌های ۳ و ۴ هجری - ساختمانی

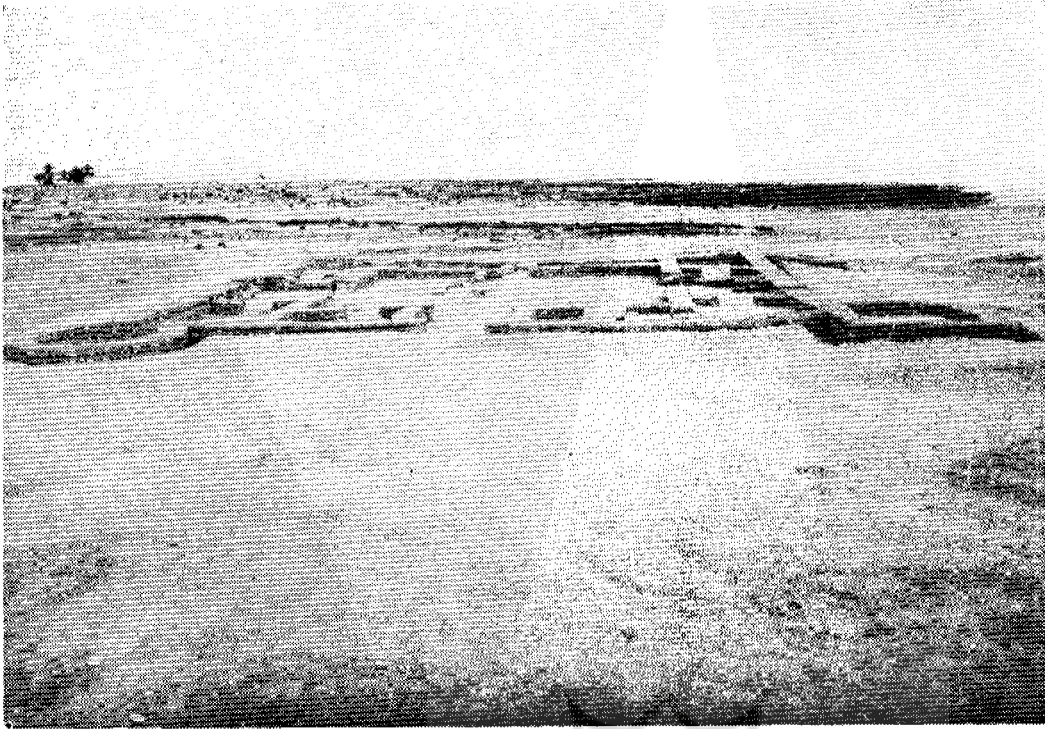
۱۶ و ۱۷ - مدرس، محمدعلی، ریحانة‌الادب،
 جلد ۳، چاپ تبریز، ص ۱۴۳ و ۱۴۴.

۱۸ - قمی، حاج‌شیخ‌عباس، هدیه‌الاحباب،
 انتشارات امیرکبیر، ص ۱۷۷.
 ۱۹ و ۲۰ - سمانی، انساب، چاپ
 عکسی، ص ۳۲۱.
 ۲۲ - ابن‌اثیر، الکامل، جلد ۹، چاپ
 بیروت، ۱۹۶۶، ص ۳۱۰.
 ۲۳ - اقبال، عباس، مقاله سیراف قدیم،
 مجله یادگار، شماره ۴، ۱۳۲۴، ص ۱۲.
 ۲۴ - مسعودی، مروج‌الذهب، ترجمه
 ابوالقاسم پاینده، جلد ۱ انتشارات بنگاه ترجمه

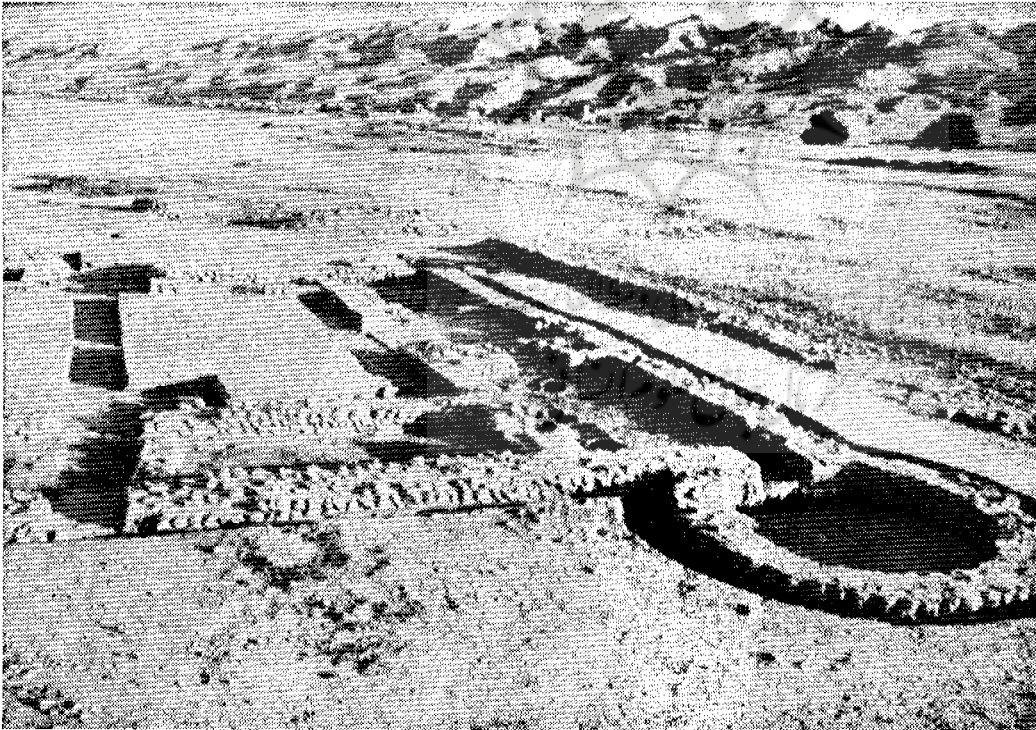
و نشر کتاب، ص ۱۴۳.
 ۲۵ - مقدسی، احسن‌التقسیم فی معرفة
 الاقالیم، طبع لیدن ۱۹۰۶، ص ۴۲۶.
 ۲۶ - ابن بلخی، فارستامه، به‌اهتمام گای
 لسترانج و رینولد نیکلسون، چاپ کمبریج،
 ۱۹۲۱، ص ۱۳۴.
 ۲۷ - وایت‌هاوس، دیوید، مقاله‌خانه‌های
 سیراف، ترجمه حسین‌بختیاری، مجله بررسی‌های
 تاریخی، شماره ۳، سال هشتم، صفحه ۶۲.



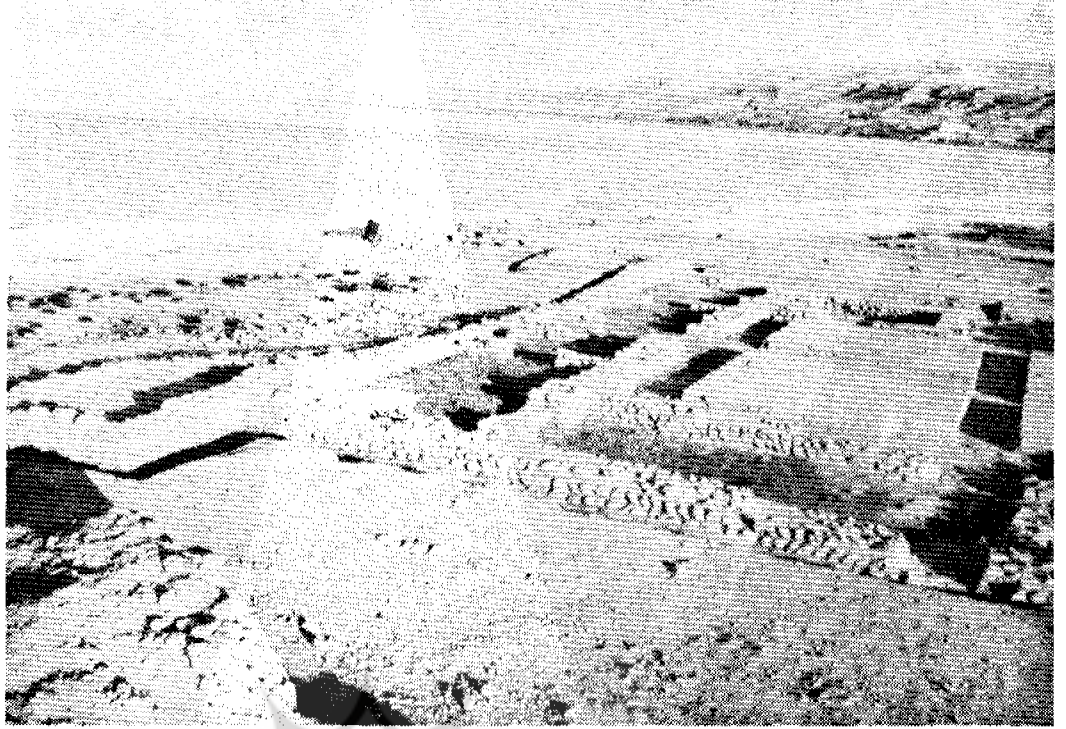
محوطه بابشاد (U)، پلان قلعه‌سیراف در دوره اصلی



محوطه بابشاد (U) ، منظره
قلعه درخاتمه حفاری



محوطه بابشاد (U) ، برج
مدور و تأسیسات زاویه شمال
شرقی قلعه



محوطه بابشاد (U) ، برج
چهارگوش و تاسیسات جنوب
شرقی قلعه



محوطه بابشاد (U) ، برج
مدور شمال شرقی قلعه

باطرح بازلیکا ازسده سوم هجری - كوره‌های سفالگری ازقرن ۴ هجری - قسمتی ازیک قلعه دفاعی ویک حمام مجاور دیوار غربی شهر - تعدادی آرامگاه گروهی در ارتفاعات شمالی سیراف از سده‌های ۳ و ۴ هجری - یک مجموعه ساختمانی کاخ‌مانند وچندین بنای دیگر. کاوشهای ما درزمستان ۱۳۵۳ در چهار محوطه صورت پذیرفت که خلاصه‌ای از آن دراین مقاله خواهد آمد :

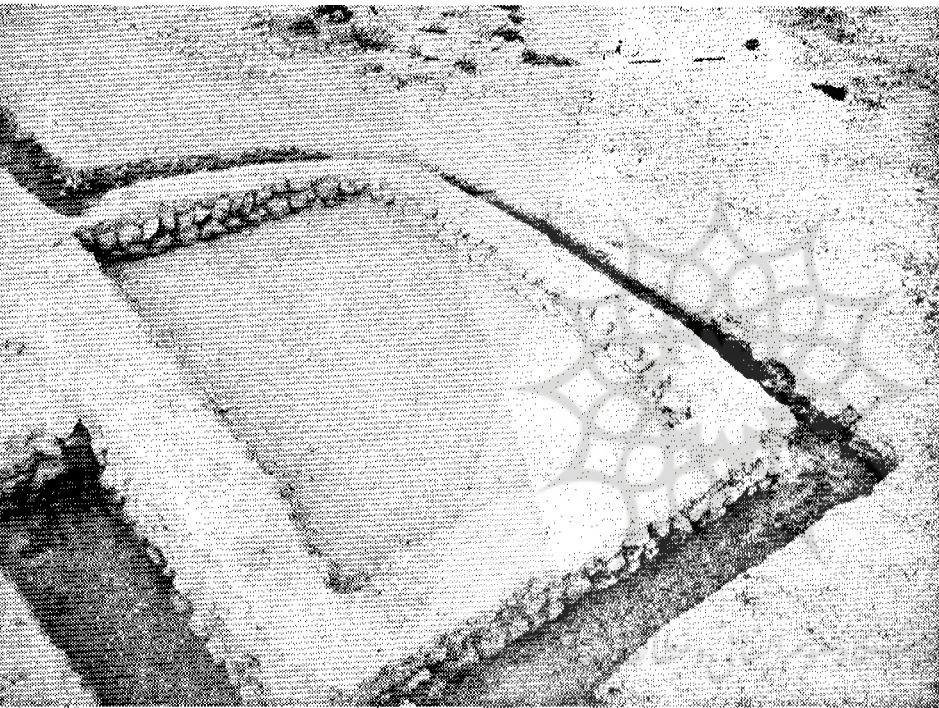
محوطه بابشاد (U) ۲۸: دراین فصل بخش شرقی سیراف بیشتر مورد توجه ما بود، زیرا اکثر سیاحانی که درسده‌های اخیر ازسیراف بازدید کرده‌بودند، یادآور شدند که آثار سیراف درغرب بندر طاهری بطول ۲۵ کیلومتر مجاورساحل پراکنده است وهیچگونه اشاره‌ای مبنی بروجود آثاری درشرق بندر طاهری (بخش شرقی سیراف) نکرده‌اند. کاوشهای هیأت سابق نیز تماماً دربخش غربی سیراف صورت گرفت و تصور میرفت که آثار مهم سیراف دربخش غربی آن یعنی درفاصله بین قلعه شیخ نصوری و رودخانه بنگ‌سار (حصار غربی سیراف) قرار دارد. لذا بخش شرقی سیراف را بررسی کردیم، درشرقی‌ترین حد سیراف برکرانه غربی رودخانه لگ لوده هنوز آثار وبقایای حصار شرقی سیراف بچشم میخورد (تصویر ۳). در منتهی الیه این دیوار درجبهه جنوبی آثار ساختمان کوچکی برپشته‌ای کم ارتفاع ملاحظه گردید، موقعیت جغرافیائی این اثر و واقع شدن آن درمجاورت حصار شرقی جلب نظر مینمود، لذا برای روشن کردن کیفیت آن اقدام به حفاری گردید. پس از حفاری بنائی مشابه قلعه ازدل خاک آشکار شد که مصالح آن ازقلوه سنگهای بزرگ نامنظم باملاط گچ و گل بود. مساحت آن ۴۶۲ مترمربع و طول و عرض آن ۲۱×۲۲ متر و حداکثر ارتفاع دیوارهای موجود آن ۷۵ سانتیمتر و عرض دیوارها بین ۷۰ تا ۹۰ سانتیمتر است. دراین اثر دو دوره ساختمانی بچشم میخورد. در

دوره اصلی بنا دارای چهار برج در زوایا بوده که دو برج مدور و دو دیگر چهار گوش است. حیاط مربع شکل بنارا یک راهرو بزرگ (ورودی اصلی) و ۹ اطاق محصور کرده است، علاوه برورودی اصلی درجبهه غربی چهار درگاه کوچک در جبهه‌های شرقی، جنوبی و شمالی ارتباط این بنارا باخارج ممکن میساخت. بعضی از اطاقها از طریق درگاههایی به حیاط راه دارند که تعدادی از آنها درگاههای عریض و جالبی مثل درگاه ورودی اصلی دارند.

N مربوط به محله اعیان نشین سیراف واقع در محله F میباشد که قبلاً توسط هیأت سابق حفاری شده بود^{۲۹}.

مطلب قابل توجه دراین اثر یکی اینکه این ساختمان دارای تناسبات بسیار جالب است، دیگر اینکه قرینه‌سازی بطور کامل در آن رعایت نشده است. به سبب وجود برجهای چهار گوش و مدور این بنا از جهات مختلف دارای چشم اندازهای

محوطه بابشاد (U): برج چهار گوش جنوب غربی قلعه



متفاوتی است. تلفیق برج‌های مدور و چهار گوش در این ساختمان پدیده جالبی است، زیرا معمولاً در قلعه‌ها و کاروانسراها و قصور اغلب برجها به یک شکل دیده شده است که البته هر دو نوع آنرا قبل از اسلام و بعد از آن در ایران داریم. در عصر پارتها برج چهار گوش معمول بوده است. مثل قلعه‌های پارتی در آسیای میانه و همچنین کاخ هاترا در بین النهرین. در دوره ساسانی برج مدور بیشتر معمول بوده که در اوائل اسلام نیز ادامه داشته است، گو اینکه در قلعه کوه پایه واقع بر سر راه

ورودی برجهای مدور به اطاقهای جانبی مشخص است، لکن ورودی برج‌های چهار گوش مشخص نیست، زیرا در این سطح باشالوده بنا سروکار داریم و احتمالاً راه ورود باین برجها در سطح بالاتری قرار داشته است. با توجه به مدارک و شواهد موجود، از جمله تشابهات ساختمانی و اشیاء مکشوفه، قدمت این بنا در دوره اصلی به اواخر سده سوم تا اوائل سده چهارم هجری میرسد (تصاویر ۴ تا ۹). پلان داخلی این بنا که در نواحی جنوبی ایران عمومیت داشته تا اندازه‌ای شبیه پلان خانه

اصفهان به نائین که اصل آن از دوره ساسانی است، برج‌های چهارگوش مشاهده میشود. باتوجه به نزدیکی بنا به حصار شرقی سیراف و پلان کلی آن تصور میرود از این ساختمان بعنوان يك قلعه كوچك یا پاسگاه نظامی استفاده میشده است.

دوره دوم ساختمانی مربوط به مرحله‌ای است که این بنا نقش اصلی خود را از دست داده (به سبب سقوط سیراف) و توسط عشایر و مردم خانه بدوش گاهگاهی مورد سکونت موقت قرار گرفته است. در این مرحله راه ورود به برج‌ها به کلی مسدود گردید و بعضی از درگاهها بسته شد و دیوارهای نامنظمی بین تعدادی از اتاقها ایجاد شد که جملگی حاکی از يك معماری

عشیره‌ای و موقتی است. وجود اجاق و تنورها در کف بعضی از اتاقها و حیاط مربوط به این مرحله است (تصویر شماره ۱۰).



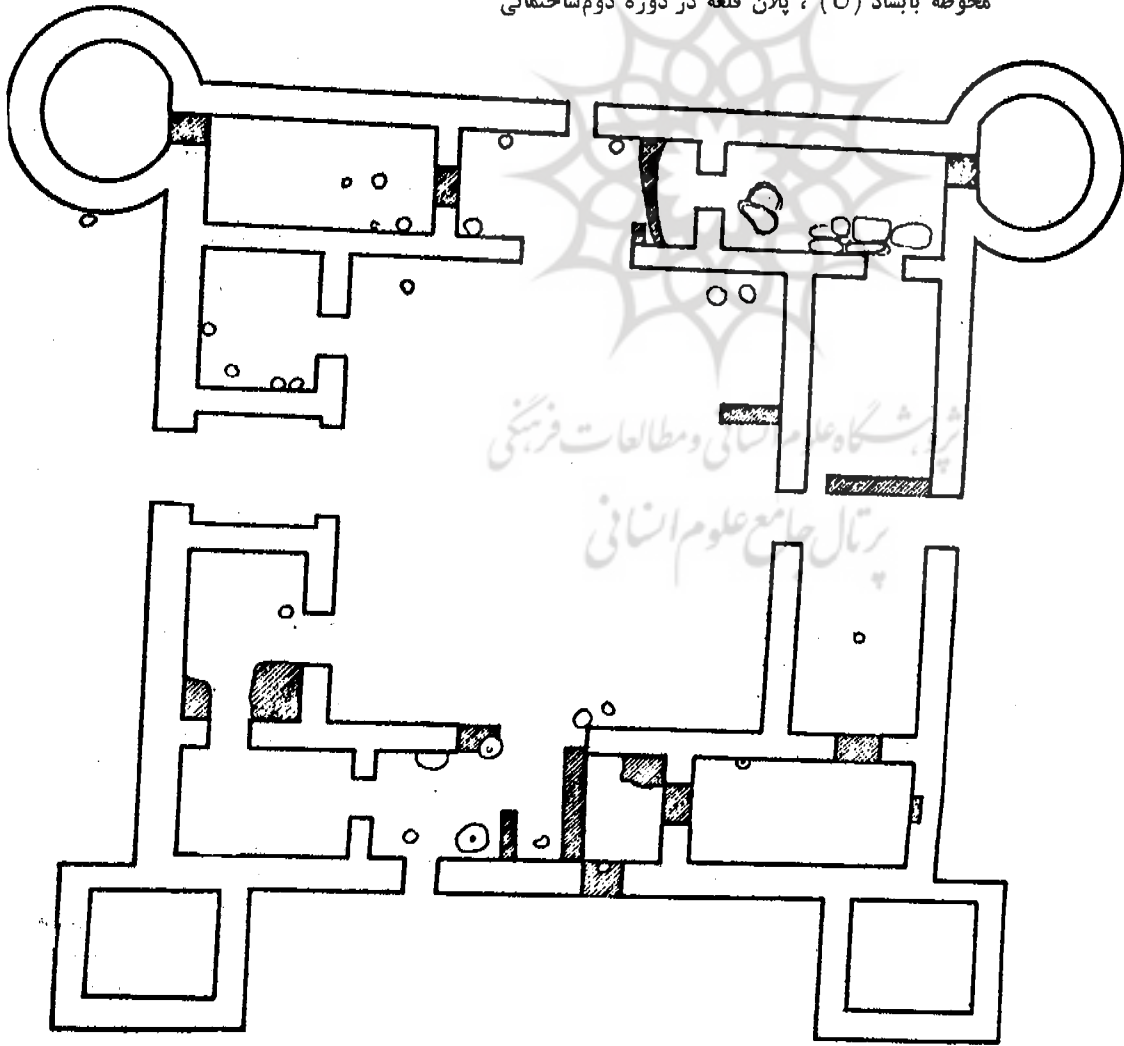
محوطه ماهان سیرافی ۳۰ (V):

این کارگاه در بخش شرقی سیراف و مجاور ساحل و به فاصله ۳۰۰ متری حصار شرقی قرار دارد. در این قسمت محوطه‌ای مرکب از چهار پشته کم ارتفاع به طول و عرض

۲۸ - باشد نام یکی از دریانوردان مشهور سیراف در سده سوم هجری است - توضیح اینکه برای مشخص کردن محوطه‌هایی که حفاری در آنها صورت گرفته دو مسأله

در نظر گرفته شد: یکی ادامه نام گذاری به ترتیب الفباء لاتین که قبلاً توسط هیأت سابق انجام شده بود تا برای کسانی که نتیجه کاوشهای سیراف را دنبال میکنند مشکلی پیش نیاید، دو دیگر اینکه برای بزرگداشت و احیاء نام بزرگان و مشاهیر سیراف که تاکنون گمناام باقی مانده‌اند از اسامی آنها برای مشخص کردن محوطه‌ها استفاده گردید و این کار تا جائیکه نگارنده بخاطر دارد برای نخستین بار در کاوشهای باستان‌شناسی اعمال میگردد. گاهی اوقات از اسامی جالب محلی نیز مدد گرفته شد. ۲۹ - برای آشنائی به وضعیت خانه‌های محوطه F رجوع کنید به مقاله «خانه‌های سیراف» نوشته دیوید وایت هاوس، ترجمه حسین یختیاری، مجله بررسیهای تاریخی شماره ۳، سال هشتم، صفحات ۶۱ - ۶۹. ۳۰ - ماهان سیرافی از بازارگانان مشهور سیراف بود.

محوطه بابشاد (U)، پلان قلعه در دوره دوم ساختمانی



سیراف
محوطه بابشاد (U)

نمبران بنا به درجه و دقیقه

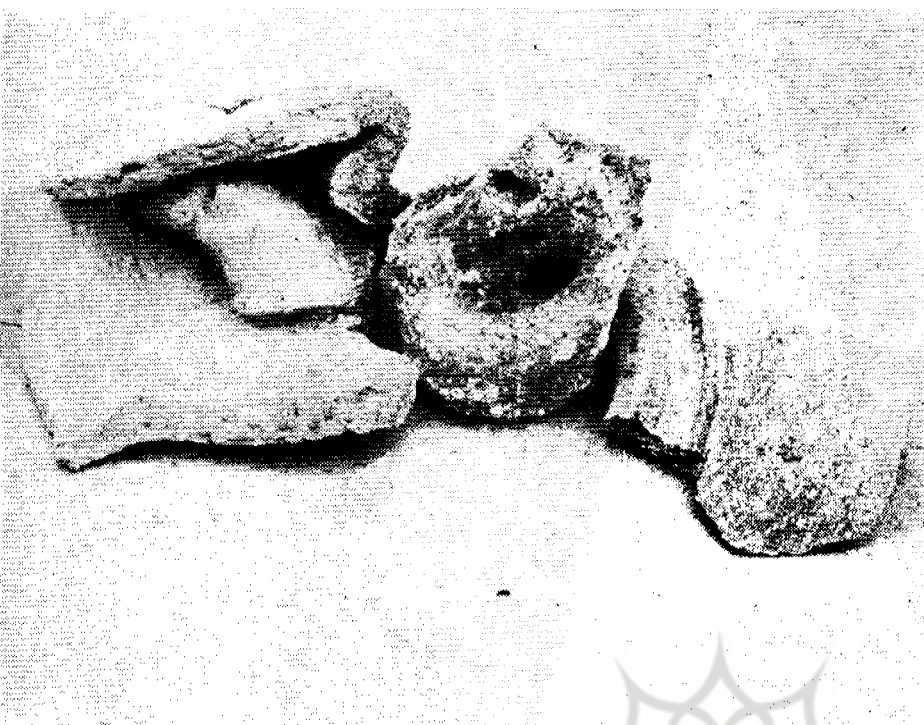
مقیاس ۱:۱۰۰



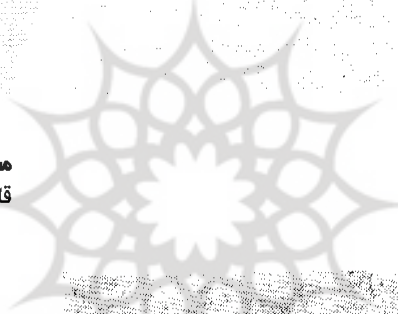
تهیه شده در دفتر هیأت کاوشهای باستان‌شناسی سیراف

مصور سجادى - نقش‌الهم

محوطه ماهان سیرافی (V) ، قطعات سفالی خراب شده در کوره

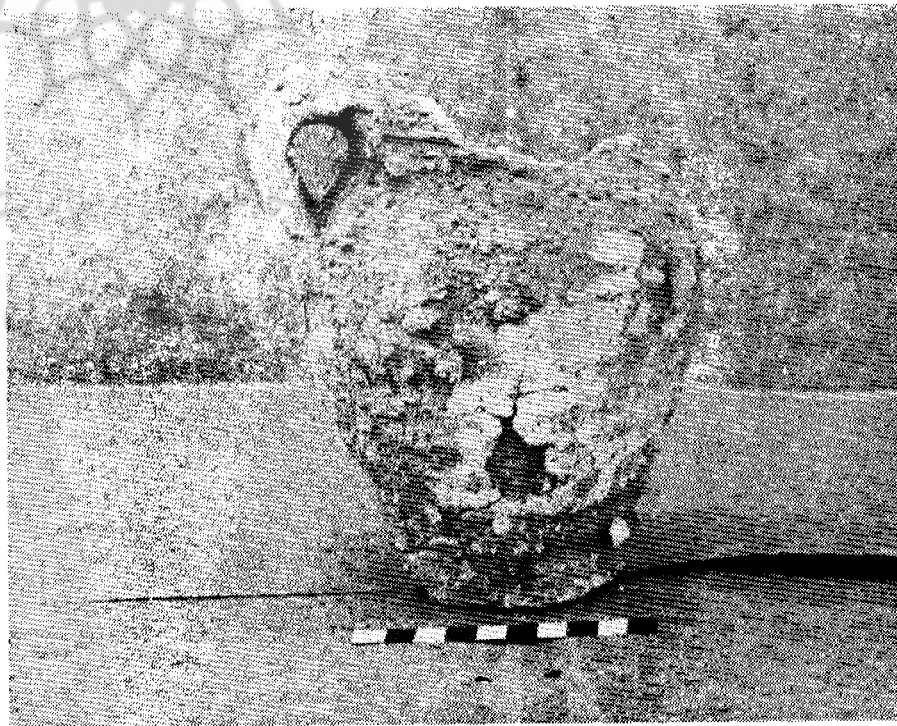
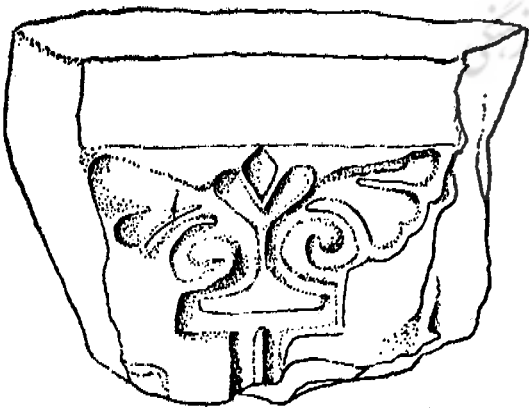


محوطه ماهان سیرافی (V) ، طرح قسمتی از قالب سفالین با نقش برگ خرما - طراحی از خانم الهه شاهیده

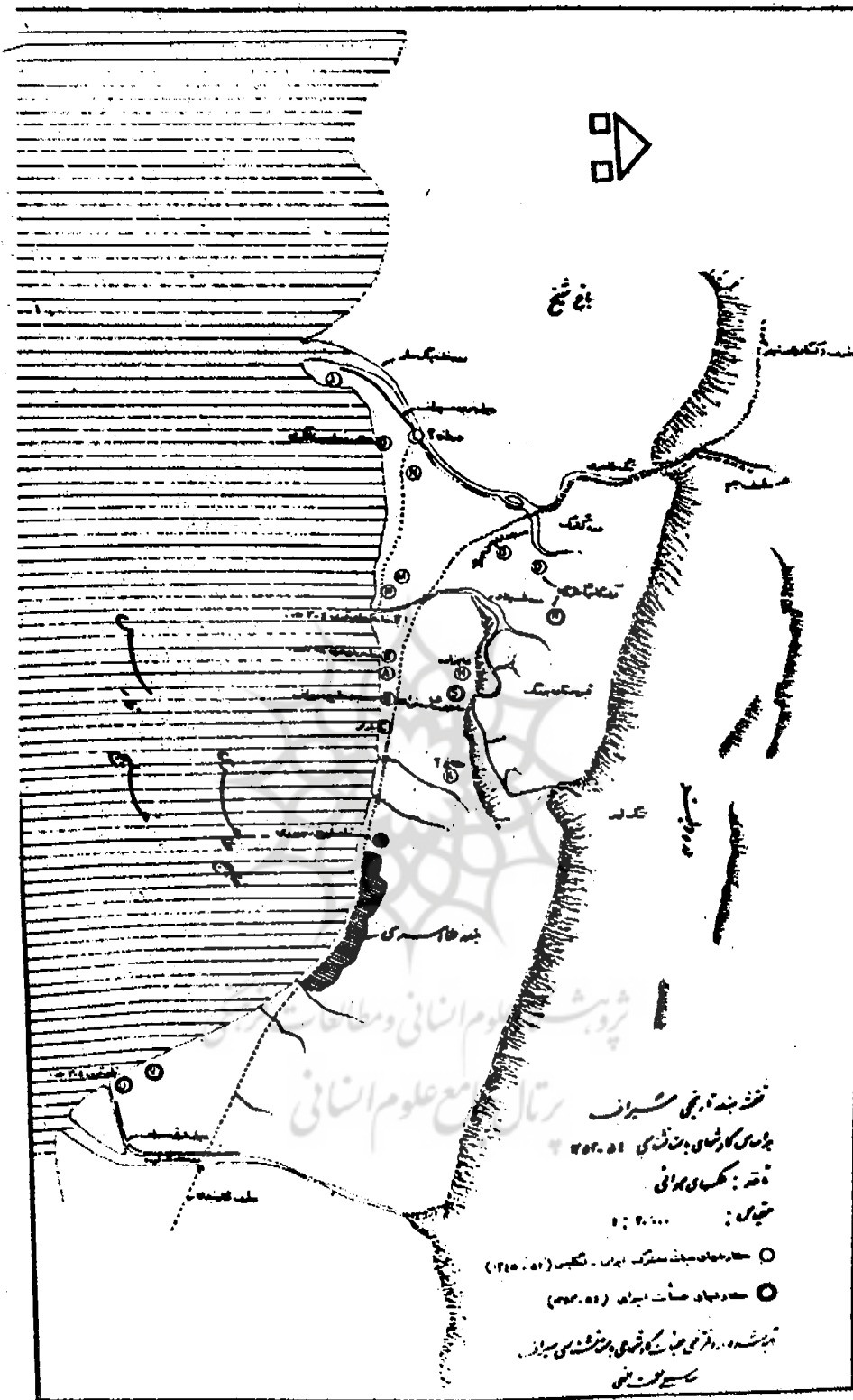


تقریباً ۱۰×۳۰ متر مملو از قطعات سفالی همراه با خاک تیره رنگ دیده شد که گمان می‌رود مربوط به یک مجموعه کوره‌های سفالگری باشد. حد اکثر ارتفاع این پشته‌ها تقریباً سه متر است. لازم به یادآوری است که یک مجموعه کوره سفالگری در سالهای گذشته توسط هیأت سابق در غرب سیراف (محوطه D) حفاری شده بود. هدف ما این بود که کیفیت محصولات کوره‌های این محوطه را روشن کرده و احیاناً رابطه آن را با کوره‌های مکشوفه در غرب سیراف دریابیم. به سبب خاتمه فصل حفاری کاوشهای این محوطه پایان نگرفت، امید است در کاوشهای آتی نتایج جالبی بدست آید ولی بهر صورت با مدارکی که فعلاً بدست آمده از قبیل قطعات سفالی فراوان به فرم‌های مختلف - قطعات خراب شده در کوره (تصاویر ۱۱ و ۱۲) - مقادیری توپی - توده‌های سفالی زیادی که بهنگام خروج از کوره

محوطه ماهان سیرافی (V) ، ظرف کوچک سفالین ، خراب شده در کوره



سیراف : ۵۴-۵۲



نقشه بندر تاریخی سیراف بر اساس کاوشهای باستان‌شناسی ۵۴ - ۱۳۵۳

شکسته شده و روی هم انباشته اند. لایه‌های خاکستر و خاک تیره و سوخته - کف محوطه‌های تهیه گل سفالگری - قطعات سفالی لعابدار و بدون لعاب مربوط به ظروف مختلف با تزئینات و شکلهای متنوع - قطعات سلادن و سرانجام بخشی از یک قالب سفالین با نقش پالم (تصویر شماره ۱۳) و مدارک دیگر حاکی از آن است که در این محوطه یک مجموعه کوره سفالگری وجود داشته است.

با توجه به آثار بدست آمده در محوطه - های بابشاد (U) و ماهان سیرافی (V) و آثار و بقایای دیگر در بخش شرقی سیراف معلوم میشود که در بخش شرقی سیراف آثار قابل توجهی وجود دارد که اهمیت آن کمتر از بخش غربی نیست، لذا محدوده جدیدی برای آثار سیراف تهیه کرده‌ایم که حد شرقی آن بجای قلعه شیخ، حصار شرقی سیراف خواهد بود و نقشه جدیدی

بر اساس کاوشهای سال ۵۴ - ۵۳ تهیه کرده‌ایم که در آن اراضی واقع در حد فاصل قلعه شیخ تا حصار شرقی سیراف - گنجانده شده است و حدود دو کیلومتر در محور شرقی - غربی به نقشه‌ای که توسط هیأت سابق ارائه شده بود اضافه گردیده است (تصویر شماره ۱۴).

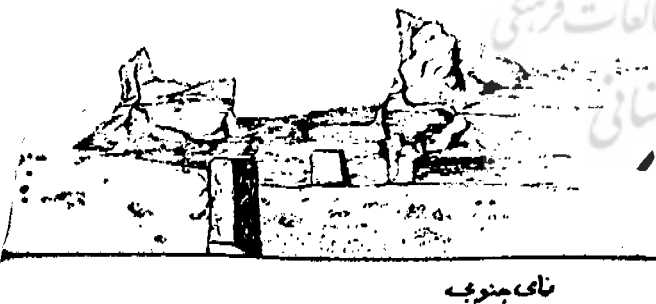


محوطه ابو سعید سیرافی ۳۱ (S) :
این محوطه برپشته مرکزی سیراف قرار گرفته و بنای معروف به گنبد امام حسن بصری با مدرسه سیرافی (محوطه H) در یکصد متری آن واقع است. در این محل بقایای ساختمان صخره‌ای مستطیل شکلی وجود دارد که به حفاری یکی از اطاق‌های آن اقدام گردید، ولی حفاری آن به سبب خاتمه فصل کاوش پایان نگرفت. این

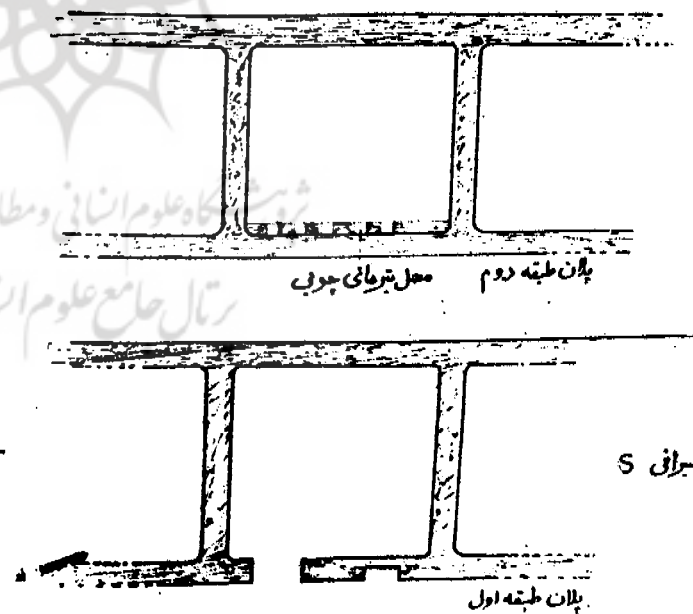
شرح عکس صفحه مقابل :

بالا : محوطه ابوسعید سیرافی (S) ، منظره اطاق‌های صخره‌ای قبل از حفاری
پائین : محوطه ابوسعید سیرافی (S) ، نمای جنوبی و درگاههای ورودی اطاق ۳۶۶ و اطاق فوقانی آن

محوطه ابوسعید سیرافی (S) ، پلان و نمای اطاق‌های صخره‌ای



نمای جنوبی



محل ترمای چوبی

سیراف

محوطه ابوسعید سیرافی S

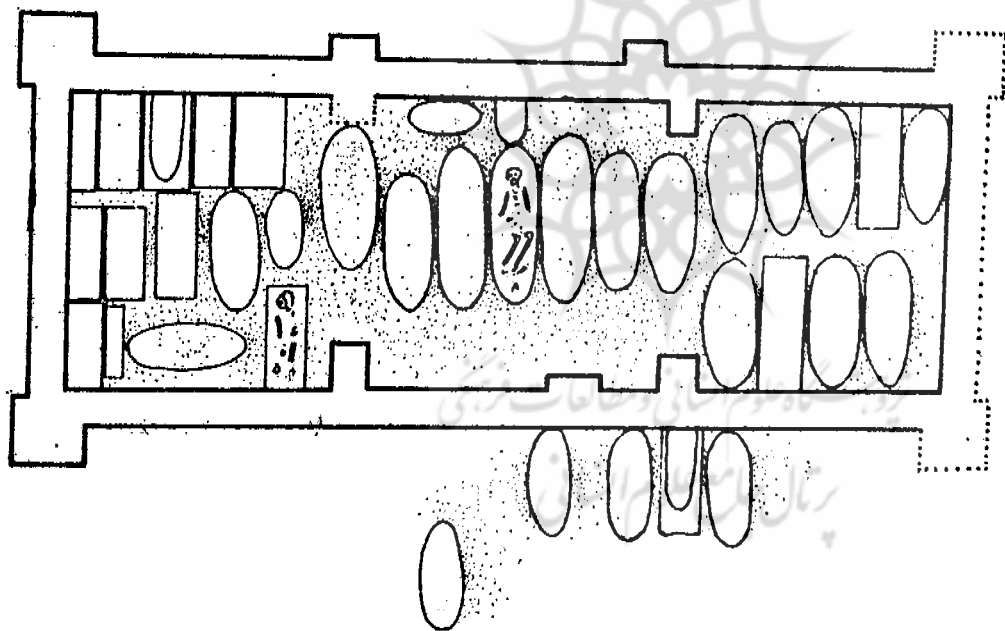
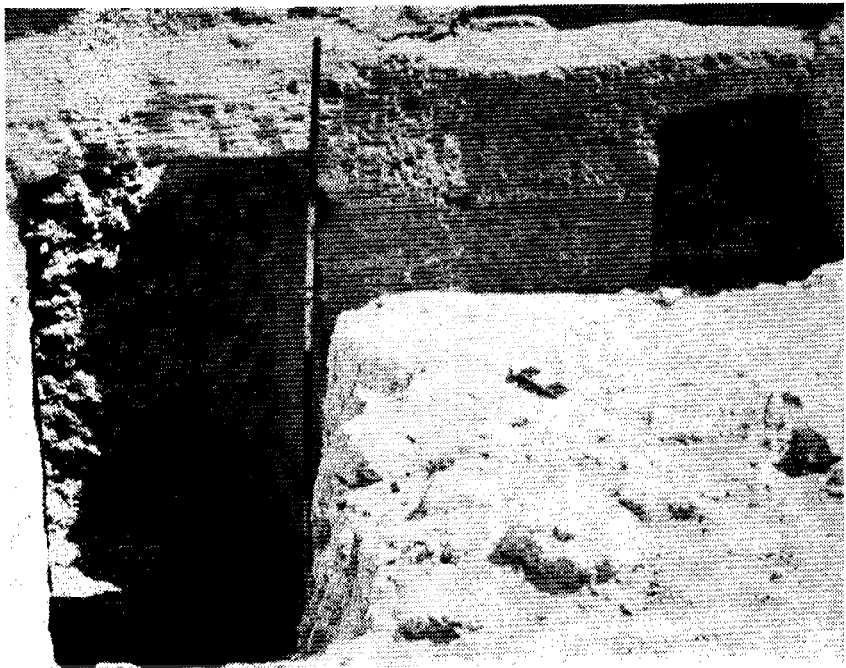
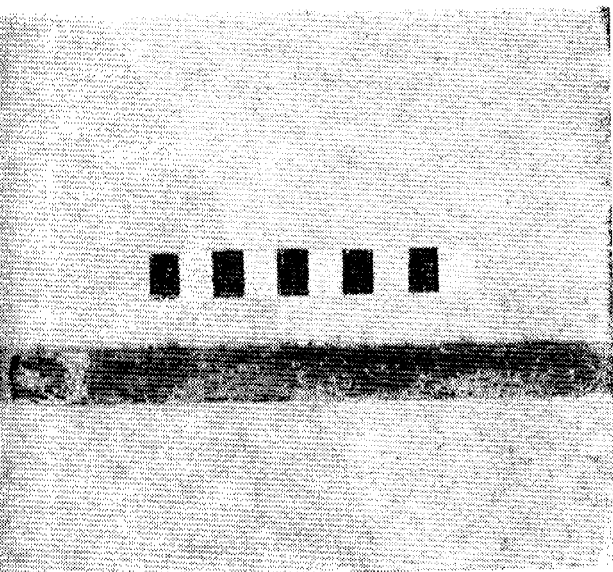
اطاق‌های صخره‌ای

۱:۵۰ مخیاس

پلان طبقه اول







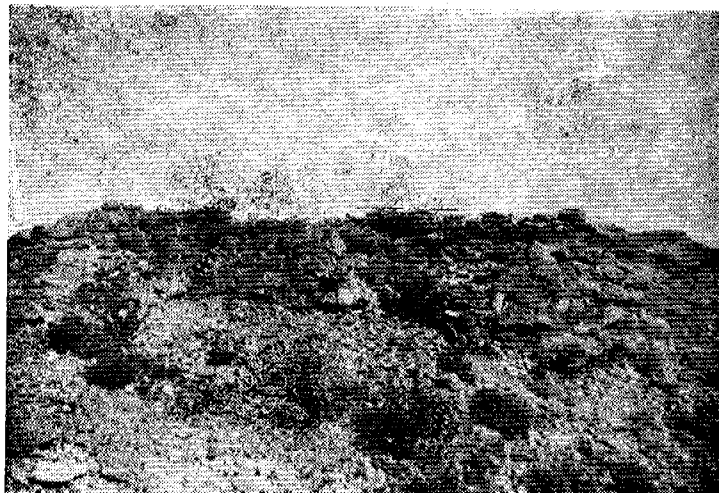
سپرانی
معموله ابو بکر سپرانی (R)
ضباب ۱۵۰

کارگاه II پلان آراکامه I

تجهیز شده در دفرقو هیلن کاوشهای باستان‌شناسی سپرانی
مصور سجادى، نقش‌هنگامی



محوطه ابوزید سیرافی (R) : منظره کلی آرامگاه ۱ درخاتمه حفاری



محوطه ابوزید سیرافی (R) : منظره آرامگاه ۱ قبل از حفاری

شرح عکسهای صفحه مقابل :

راست: محوطه ابوسعید سیرافی (S) ، ورودی
 وطاق نمای اطاق ۳۶۶ ، دید از جنوب
 چپ : محوطه ابوزید سیرافی (R) ، لوله
 شیشه‌ای ته بسته ، استوانه شکل ، مکشوفه از
 لابلاي سرجمجه در آرامگاه شماره ۲ -
 کارگاه ۲

پائین : محوطه ابوزید سیرافی (R) ، پلان
 آرامگاه شماره ۱ با قبور مستطیل و بیضوی شکل



محوطه ابوزید سیرافی (R) ، قبور مستطیل
 شکل و بیضوی جبهه غربی آرامگاه ۱

دیوار صخره‌ای این اطاق شکسته و ازین رفته و در حال حاضر حد اکثر ارتفاع موجود آن ۱۷۰ سانتیمتر است، این اطاق از طریق درگاهی که در جبهه جنوبی قرار داشت به بیرون راه داشته‌است. نظر باینکه حفاری داخل این اطاقها و بیرون آنها هنوز خاتمه نیافته، نتیجه گیری کلی در حال حاضر ممکن نیست. (تصاویر ۱۵ تا ۱۸).



محوطه ابوزید حسن سیرافی ۳۳ (R):
در بخش غربی سیراف بر دامنه ارتفاعات شمالی آثار چهل آرامگاه گروهی به صورت بناهای کوچکی دیده میشود. طی سالهای گذشته ۱۰ آرامگاه توسط هیأت سابق کاوش شده بود (حفاریات محوطه O) که در آنها اجساد به طور اجتماعی یا انفرادی و در جهات شمالی - جنوبی و شرقی -

قرار گرفتن تیرهای چوبی، بصورت بریدگی‌های کوچکی در دیواره جنوبی و لبه مربوط به سقف دیده میشود. بر کف گچی این اطاق یک سکه ساسانی بدست آمد. ورودی این اطاق در جبهه جنوبی است که هنوز کاملاً باقیمانده و ابعاد آن ۸۰×۹۰ سانتیمتر و ارتفاع آن ۱۸۰ سانتیمتر است. فاصله کف تا جایگاه قرار گرفتن تیرهای سقف ۳۸۰ سانتی متر است. قطر دیوارهای این اطاق بین ۴۵ تا ۹۰ سانتیمتر میباشد. بر جبهه جنوبی بنا از قسمت بیرون، طاقچه‌ای در دل دیوار صخره‌ای ایجاد کرده‌اند.

بر بالای اطاق مزبور اطاق دیگری قرار داشت که دیوارهای آن در واقع با دیوارهای اطاق ۳۶۶ یک پارچه بود و همانطور که اشارت رفت از طریق تعدادی تیرهای چوبی که در واقع سقف اطاق ۳۶۶ و کف این اطاق را تشکیل میداد از اطاق ۳۶۶ جدا میشد.

ساختمان در دل صخره‌ای بزرگ ایجاد شده و از تراش این صخره اطاقهای چهار گوشه بوجود آورده‌اند. اهمیت مسأله در یک پارچه نمودن آنهاست که نمونه‌ای از معماری صخره‌ای است که در ایران دامنه‌ای بس عظیم دارد و شواهد متعددی از آن درازمنه و نقاط مختلف بچشم میخورد. در سیراف نیز شواهدی از معماری صخره‌ای بصورت ساختمان، چاه آب، قبرستان و دخمه‌های صخره‌ای فراوان به چشم میخورد. از پنج اطاق موجود در این ساختمان اقدام به حفاری یکی از آنها گردید. این اطاق که بنام اطاق ۳۶۶ نام گذاری شده ۳۲ مربع شکل و هر ضلع آن ۵ متر و متصل به اطاقهای دیگری بهمین شکل در شرق و غرب خود میباشد. داخل این اطاق مملو از خاک و سنگ و قطعات سفالی زیادی بود که با وضع مضطرب و در همی قرار داشت. این اطاق دارای سقف مسطح با تیرهای چوبی بود و در حال حاضر محل

محوطه ابوزید سیرافی (R)، آرامگاه ۱، قبور بیضوی جبهه شرقی آرامگاه



غربی دفن شده بودند. در هیچ یک از آرامگاهها، کتیبه و نوشته‌ای بدست نیامد، لکن، اشیاء مکشوفه و جزئیات معماری نشان میداد که آرامگاههای مزبور مربوط به قرون ۳ و ۴ هجری است. مراسم تدفین در این آرامگاهها نمایشگر مسائل گوناگونی بود و انتساب آنها به پیروان یکی از مذاهب رایج در سیراف (زرتشتی، مسلمان، یهودی و احیاناً نسطوری) مشکل بود و لذا تعیین هویت صاحبان این آرامگاهها مسأله مهمی بود. خلاصه تصور میرفت که این آرامگاهها مورد استفاده جامعه‌ای بظاهر مسلمان بوده که اعضاء آن با آداب و رسوم نامتجانسی که منعکس کننده نوعی تشریفات مذهبی غیر اسلامی بود سروکار داشتند، ابعاد آرامگاهها دال بر آن بود که این بناها توسط جامعه‌ای ساخته شده که ثروتمند و مرفه بوده‌اند، لذا بنظر میرسد که اهالی متنفذ سیراف دارای آداب و رسوم ویژه‌ای بودند که از نظر اکثریت مسلمین آن شهر

عجیب و فوق‌العاده می‌نمود.^{۳۴}

با توجه به مطالب فوق درصددیر آمدیم شاید پاسخی به بعضی از مجهولات بدهیم، لذا به بررسی بقیه آرامگاههای موجود پرداخته و به حفاری دو آرامگاه اقدام کردیم. در یکی از آنها (آرامگاه ۲) که مربع شکل و دارای پشت‌بندهای نیم‌دایره بود، مسأله جالب توجهی ملاحظه نشد، زیرا قسمت اعظم آن ویران شده بود و فقط آثاری از سه جسمه که در بین آنها یک پیمانه شیشه‌ای استوانه‌ای شکل قرار داشت بدست آمد (تصویر ۱۹) لیکن از کاوش آرامگاه شماره ۱ نتایج جالبی بدست آمد:



نگارگاه ۲، آرامگاه ۱: این آرامگاه در شرق محوطه R و بر پشت‌های مشرف به قبرستان بزرگ صخره‌ای سیراف قرار

دارد. در این محل آثار چهار آرامگاه

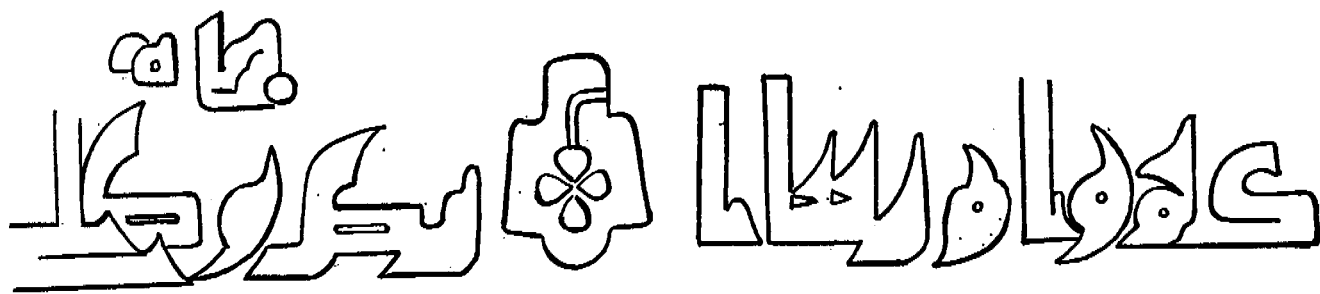
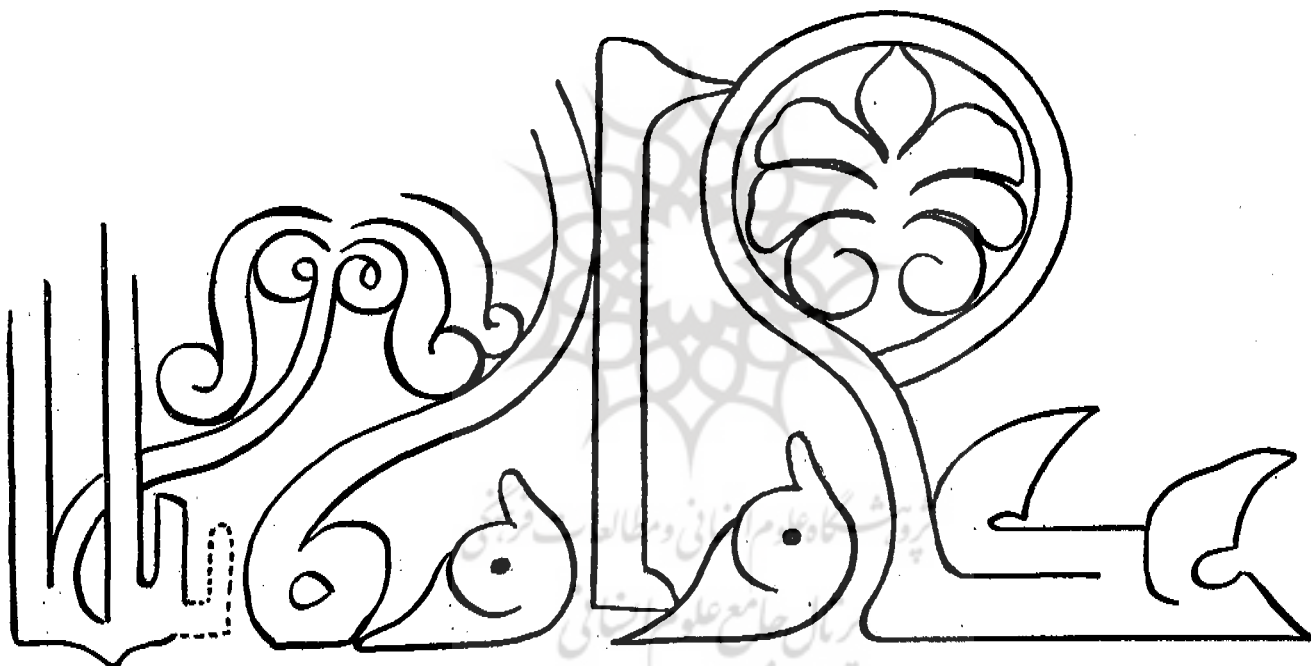
۳۱ - ابوسعید سیرافی (۳۶۸ - ۲۸۴ هـ) از علمای بزرگ سیراف است که در بغداد قاضی القضاة بوده و صاحب تألیفات زیاد است.
 ۳۲ - عدد ۳۶۶ معرف سال ۳۶۶ هجری است که بنا به نوشته مقدسی در این سال زلزله‌ای عظیم در سیراف رخ داد و خسارتی عظیم ببار آورد و این حادثه یکی از علل سقوط سیراف بود.
 ۳۳ - ابوزید حسن سیرافی از نویسندگان و بازرگانان بنام سیراف است که در سال ۳۰۲ هجری یادداشت‌هایی در زمینه خاطرات بازرگانان سیراف به بلاد چین و هند گرد آورده و بر یادداشت‌های سلیمان تاجر که مربوط به ۲۳۷ هجری است افزوده است. ابوزید عموزاده بستاشه فرمانروای سیراف بود و در سال ۳۳۰ در بصره مسعودی را ملاقات کرده و اطلاعاتی بوی داده است.

۳۴ - برای آشنائی بیشتر به وضعیت آرامگاههای گروهی سیراف رجوع کنید به مقاله کاوشهای باستان‌شناسی سیراف نوشته دیوید وایت هاوس، ترجمه حسین بختیاری، مجله بررسیهای تاریخی، شماره ۶ سال نهم.

محوطه ابوزید سیرافی (R)، آرامگاه ۱، قبور مستطیل و بیضوی جبهه غربی آرامگاه، بر روی قبور مستطیل شکل کتیبه‌های قرآنی باخط کوفی تزئینی ملاحظه شد



بالا : محوطه ابوزید سیرافی (R) ، طرح قسمتی از کتیبه کوفی یکی از قبور مستطیل شکل جبهه غربی آرامگاه شماره ۱ : [و] عده و اورثنا
 (قسمتی از آیه ۷۴ سوره الزمر) - طراحی از خانم لیلی تقی پور
 پائین : محوطه ابوزید سیرافی (R) ، طرح قسمتی از کتیبه کوفی یکی از قبور مستطیل شکل جبهه غربی آرامگاه شماره ۱ : [و] عده و
 اورثنا الارض (قسمتی از آیه ۷۴ سوره الزمر) - طراحی از خانم لیلی تقی پور



آرامگاه سیراف

محوطه ابوزید سیرافی (R) ، طرح قسمتی از کتیبه کوفی یکی از قبور مستطیل شکل جبهه غربی آرامگاه شماره ۱ : الارض نَسَبُوا مِنَ الْجَنَّةِ حَيْثُ نَشَأَ قَبْرِهِمْ أَجْرًا لِعَامِلِينَ ، (قسمتی از آیه ۷۴ سوره الزمر) - طراحی از خانم لیلی تقی پور

خمیره سفالین ، آجری رنگ با نقوش کنده افقی روی شانه ، مکشوفه از خلیج فارس (خلیج طاهری - سیراف) به فاصله یک کیلومتری ساحل از عمق ۱۵ متری آب - توضیح اینکه در اثر پیشروی دریا به طرف ساحل قسمتی از سیراف به زیر آب رفته است و هنوز بقایای ساختمانها و آثار دردل آب پیداست .



و بنه‌ای میباشد (قسمتی از آیه ۷۴ سوره الزمر) ۳۰. علاوه بر آیه مزبور در جبهه‌های بعضی از قبور کلمات : الحمد لله ، ابن محمد والله قرائت گردید . حفاری این آرامگاه دو نتیجه مهم دربر داشت ، یکی تعیین قدمت آرامگاههایی بدین سبک که در این بخش از سیراف دیده میشود که با توجه به سبک کتیبه و نوع تزیینات ، مربوط به سده‌های ۳ و ۴ هجری است ، دیگر انتساب قطعی این قبیل آرامگاهها به مسلمین سیراف به سبب وجود آیات قرآنی و دیگر مطالب یاد شده ، زیرا قبلاً این انتساب با شک و تردید و از روی قرائن و امارات بوده است .

سقف مؤثر بوده‌اند . در داخل آرامگاه جمعاً ۳۳ قبر دیده میشود که به استثنای دو قبر که جهات شرقی - غربی دارند ، بقیه دارای جهات تقریباً شمالی - جنوبی اند . (تصاویر ۲۰ تا ۲۲) ۱۴ قبر پوشش مستطیل شکل و بقیه پوشش بیضوی دارند . ضمن حفاری پوشش مستطیل شکل یکی از قبور کاشف بعمل آمد که این قبر ابتدا پوشش بیضوی داشته و سپس یک پوشش مستطیل شکل بر روی آن ایجاد کرده‌اند . برای پوشاندن قبور علاوه بر سنگ ، لایه‌ای گچ با ضخامت ۳ تا ۴ سانتی‌متر بکار رفته است (تصاویر ۲۳ تا ۲۵) . در جبهه غربی آرامگاه ۱۰ قبر با پوشش مستطیل شکل قرار دارد که تعدادی از آنها دارای کتیبه‌های برجسته به سبک کوفی تزیینی محتوی یکی از آیات قرآنی و تزیینات گل

مخروبه دیده شد که یکی از آنها مورد کاوش قرار گرفت و کیفیت آن بشرح زیر است :

آرامگاه مستطیل شکل و جهت آن شرقی - غربی و طول و عرض آن ۱۳×۵ متر و حد اکثر ارتفاع دیوارهای برجا مانده یک متر است . این بنا دارای چهار پشت‌بند مستطیل شکل در زوایا و دو پشت‌بند بهمین شکل در دیوار شمالی است . مصالح آرامگاه از قطعه سنگهای کوچک شنی با مالات گچ است . ورودی بنا احتمالاً از جبهه جنوبی بوده است . در این قسمت آثار یک کف گچی دیده میشود . محوطه داخلی آرامگاه دارای کف گچی است . بقایای چهار پایه ستون متصل به دیوارهای جبهه شمالی و جنوبی در داخل آرامگاه ملاحظه میشود که بطور قطع در نگهداری

۳۵ - کتیبه‌های مزبور توسط استاد ارجمند آقای دکتر منوچهر ستوده قرائت گردید.